

ماجرای زن کارتن خوابی که ۹ سال با ظاهری پسرانه زندگی کرد

بازگشت از دنیای گم‌شدگان

صدیقی

«اگر کتک خوردم، اگر کارتن خواب بودم، اگر مورد آزار و اذیت قرار گرفتم و خیلی چیزهای دیگر، من خودم نبودم، چون انگار در دنیای مردگان زندگی می کردم! همه مادرها بچه های شان را درک می کنند و از خطاهای شان می گذرند، برعکس این بار من از دخترم تقاضا دارم مرا درک کند و از سر تصمیمات و کوتاهی هایی که در حقش کردم، بگذرد. ۱۵ سال است شب ها چهره ای را که از دوران کودکی اش در ذهن دارم تا صبح می بینم». این ها بخشی از صحبت های زن کارتن خوابی است که بیش از ۹ سال با ظاهری پسرانه در داخل یک دخمه زیرزمینی زندگی کرد. سرگذشتش حیرت آور و باور کردنش سخت است. مادری که بعد از طلاق اولش از جگر گوشه نخست اش و بعد از آن با ازدواج مجددش دوباره از جگر گوشه دومش دور می افتد. در واقع می گوید فرزند دوشم را از او دزدیدند و الان چند سال است که در فراق فرزندش هر شب کابوس می بیند. خواهر و برادرانش ناسالم بودند و از راه خلاف و سوداگری مواد روزگار خود را سپری می کردند. دختر جوان به خاطر همین شرایط سخت خانواده به اجبار پای سفره عقد مردی می نشیند. زندگی مشترک زن جوان زیاد دوام نمی آورد چون او سودای مصرف مواد به سرش می زد و گاهی هوایی می شد.

با تولد دخترش دست از بیراهه رفتن برنمی دارد تا این که بعد از گذشت چند سال از زندگی مشترکش همسرش قید او را می زند و با گرفتن حضانت دخترشان از او جدا می شود. زن جوان به خاطر طلاق و دوری از دخترش مدام بی تاب می کند و سر این ماجرا دچار ناراحتی اعصاب و روان می شود.

زن جوان می گوید: وقتی طلاقم را گرفتم به خاطر اعتیاد نمی گذاشتند دخترم را ببینم. سن و سال دخترم کم بود و پدرش از من پیش او یک دیو ساخته بود و زمانی که تماس می گرفتم دخترم با سرودی و ناراحتی جوابم را می داد و از من می خواست مزاحمش نشوم. به خاطر این بدجور به هم می ریختم و از طرفی چون دو برادرم مصرف کننده و ساقی مواد صنعتی بودند با دیدن روش مصرف آن ها وسوسه می شدم که لذت مصرف مواد را تجربه کنم. یک روز که برادرم در خانه نبود مقداری از هروئین او را سرقت و مصرف کردم که لذت کاذبی به من دست داد و توانستم به طور موقت، غم و غصه هایم را فراموش کنم. زن جوان با مصرف مواد

صنعتی دچار توهم می شود و مدتی هر شب به خیال این که جگر گوشه اش فوت کرده است به قبرستان می رود تا در خیال خودش او را به خاک بپسارد و سوگواری کند و بعد از آن نزدیک صبح با سر و وضع خاکی به خانه برمی گردد. وقتی مادرش می بیند که او به خاطر دوری از دخترش بی تاب می کند با داماد سابقش تماس می گیرد تا او اجازه دهد دخترش با نوه اش دیدار کند و همین امر دوباره زن جوان را هوایی می کند. زن جوان با شنیدن صدای دخترش از پشت تلفن در توهم خودش فکر می کند که دخترش از او کمک می خواهد. دوباره زن از خانه فرار می کند تا در خیالش دختر گم شده اش را پیدا کند و زمانی که به خود می آید می بیند در یک شهر غریب است و فرسنگ ها از خانه دور افتاده و در چند روز آوارگی علاوه بر سرقت پول هایش از سوی هم پاتوقی هایش نیز مورد اذیت واقع شده است. وقتی زن جوان به خانه برمی گردد خانواده اش تصمیم می گیرند او را به بیمارستان اعصاب و روان منتقل کنند که او با شنیدن صحبت های مادرش قبل از اقدام خانواده از خانه فرار می کند و دوران آوارگی طولانی مدتش در یک استان دیگر آغاز می شود. او می گوید: زمانی که از خانه فرار کردم و به استان دیگری رفتم مدام داخل پاتوق ها در حال رفت و آمد بودم و کسی هم از من نمی پرسید که چه کاره و چه کسی هستم. مدتی گذشت تا این که با یکی از مصرف کنندگان مواد آشنا شدم و بعد از آن با او ازدواج کردم. بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک کارتن خوابی مان باردار شدم و با اتفاقی هولناک مسیر زندگی ام متلاطم تر شد.

روزی جلوی چشمانم شوهرم با یک موتورسیکلت تصادف و فوت کرد. بعد از آن با گرفتن مبلغ دیه از ترس هم پاتوقی ها و همنوعان معتام به حاشیه شهر و یک نقطه دور افتاده پناه بردم و با بلوک سیمانی دخمه زیرزمینی برای خودم ساختم و دوران تنهایی کارتن خوابی ام آغاز شد. چون در اطراف خودم می دیدم که معتادان چطور نوزادان را می دزدند خیلی می ترسیدم. خودم به تنهایی بچه ام را به دنیا آوردم و نافش را بریدم و برایش یک اسم قشنگ انتخاب کردم. حس مادرانه خوبی به من دست داده بود. فقط دو نفر از دوستان معتام از محل اختفای من خبر داشتند. به خاطر زن بودنم خیلی از دست مردهای زورگوی معتاد کتک می خوردم و اذیت می شدم برای همین تصمیم گرفتم تیپ پسرانه بزنم تا دیگر کسی جرئت تعرض به من و کتک زدنم را نداشته باشد. بعد از آن یک کلاه پشمی سرم کشیدم و لباس

و شلوار گشادی پوشیدم و دور کمرم هم یک کمر بند بزرگ بستم و لحن ام را کاملاً پسرانه و خشن کردم و با این شکل و شمایل روزها در بین معتادان چرخ می زدم. از طریق فروش مواد خرج خودم و هزینه پوشک و شیرخشک بچه را تامین می کردم، چون خودم شیر نداشتم. زن جوان که مدام با تیپ پسرانه در رفت و آمد بین پاتوق ها بود حواسش جمع بود که بلایی سر فرزندش نیاید. بالاخره بعد از گذشت حدود دو سال روزی گرفتار افراد شیطان صفت می شود و آن ها با خواندن آبمیوه مسموم جگر گوشه اش را از او می دزدند و داغ بزرگی بر دلش می گذارند. زن جوان بعد از چند ساعت که به خودش می آید تازه متوجه گم شدن دخترش می شود و بعد از آن هم هر چقدر تلاش می کند ردی از او پیدا کند موفق نمی شود و دوباره دوران کابوس او شروع می شود.

زن می گوید: بعد از آن روز دیگر آب خوش از گلویم پایین نرفت، چیزی از آن واقع و اشخاص در ذهنم ثبت نشده که بتوانم رد آن ها را بگیرم چون در حال خود نبودم. هر شب در خیالم ناله دخترم را می شنیدم که مرا صدا می کرد و تا صبح بی تاب می کردم، تشنه که می شدم به یاد تشنگی دخترم می افتادم، گر سنه که می شدم، هوا سرد و گرم می شد یا خیلی چیزهای دیگر به یاد دختر دو ساله ام می افتادم و در تنهایی ام شیون می کردم که او شاید حال مرا داشته باشد. بالاخره بعد از گذشت مدت ها از کارتن خوابی زن تنها یک شب که چند نفر از طرف یک موسسه خیریه در حال پخش غذای گرم در بین کارتن خواب ها بودند، نور امیدوی

به گفته او، کمک آن ها بلاعوض بود برای همین شیفته آن ها می شود. تردیدهای زن برای معرفی خود به افراد خیر مدتی طول می کشد تا این که یک شب دلش را به دریا می زند و با پیش می گذارد تا با کمک آن ها از شر اعتیاد و آوارگی خلاص شود.

او می گوید: بعد از آن با کمک موسسه خیریه وارد یک کمپ شدم و دوران سیاهی را کم کم پشت سر گذاشتم. چون به رفتارهای پسرانه عادت کرده بودم مدتی طول کشید تا طرز صحبت کردن و لباس پوشیدن زنانه را از سر بگیرم. حیف که خیلی از چیزها را در آن ۹ سال کارتن خوابی ام از دست دادم. پدرم از دوری من در کرد مرد و دختر اولم به خاطر اعتیاد ام من متنفر شد و سرنوشت دختر دومم نامعلوم و چند سال است که از او بی خبر هستم و معلوم نیست چه سرگذشتی پیدا کرده است. زمانی که دخترم را از من



۶۶

زمانی که از خانه فرار کردم و به استان دیگری رفتم مدام داخل پاتوق ها در حال رفت و آمد بودم و کسی هم از من نمی پرسید که چه کاره و چه کسی هستم

دزدیدند کارتن خواب بودم و از ترس دستگیری، پلیس را در جریان نگذاشتم. فکر می کردم هیچ کس حرف یک کارتن خواب را قبول نمی کند. بعد از گذشت ۹ سال دوری از خانواده آن ها را در جریان گذاشتم.

الان یک سال از پاکی ام گذشته است و به عنوان مددکار داخل کمپ ها به همنوعان معتام کمک می کنم و اگر بتوانم حداقل یک نفر را هم از باتلاق اعتیاد بیرون بکشم راضی هستم. زن با چشمانی گریان ادامه می دهد: همه کارتن خواب ها احساس دارند و معنی پدر و مادر بودن را می فهمند اما یکی باید به آن ها اعتماد کند و دست شان را بگیرد. آن ها ناخواسته وارد این منجلب شده اند و از حس ترحم بیزارند و فقط تقاضای کمک بلاعوض دارند تا خودشان را پیدا کنند و از دنیا بگام یک شادگان به آغوش گرم خانواده و جامعه برگردند.

اخبار

جان باختن استاد کار ساختمانی با سقوط از ارتفاع

یک استاد کار سنگ نمای ساختمان با سقوط از طبقه پنجم یک ساختمان در حال احداث جان باخت. به گزارش خبرنگار ما، یک استاد کار سنگ نمای ساختمانی در بجنورد هنگام کار روی داربست از روی آن سقوط کرد و راهی بیمارستان شد. این استاد کار میان سال که به کما رفته بود چند روز پس از جدال با مرگ بالاخره تسلیم شد و روز گذشته در منزل ابدی اش آرام گرفت.

کشف ۲۹۰ عدد لوازم یدکی قاچاق

حدود ۲۹۰ عدد لوازم یدکی قاچاق کشف شد. به گفته مسئول روابط عمومی اداره کل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، شخصی که قصد جا به جایی این تعداد لوازم یدکی قاچاق را از طریق یک باربری در بجنورد داشت توسط پلیس آگاهی استان شناسایی شد. «رستمی» با بیان این که ارزش کالاهای مکشوفه بیش از ۲۱۶ میلیون ریال است، افزود: پرونده تخلف در شعب ویژه تعزیرات به منظور صدور حکم در حال رسیدگی و انجام تحقیقات است.

۵ مجروح در پی واژگونی پراید

فرمانده انتظامی شیروان از واژگونی یک دستگاه خودروی پراید در محور روستایی ملاباقر تخته ورگ با ۵ مجروح خبر داد. سرهنگ «مسعود وحیدی» با اعلام جزئیات این خبر گفت: در پی اعلام خبر واژگونی یک دستگاه پراید از طریق مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ در محور فرعی روستای ملاباقر تخته ورگ بلافاصله اکپب پلیس راه، گشت انتظامی پاسگاه پراید به علت نامعلومی واژگون شده است و در این سانحه، راننده به همراه چهار نفر دیگر از سرنشینان این خودرو مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. این مقام انتظامی با اشاره به این که کارشناس پلیس راه علت این حادثه را بی احتیاطی راننده خودروی پراید و توانایی نداشتن در کنترل وسیله نقلیه اعلام کرد، به رانندگان توصیه کرد قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت کنند تا شاهد چنین حوادث تلخی نباشیم.

واژگونی پژو با ۳ مجروح

یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ در محور روستایی جوشقان به سمت چهل حصار واژگون شد و ۳ نفر بر اثر این حادثه مجروح شدند. بر اساس گزارش پلیس راه استان، در پی واژگونی یک خودروی پژو ۴۰۵ به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه هنگام عبور از پنج جاده در محور روستایی جوشقان به چهل حصار سرتنشین این خودرو مصدوم و راهی بیمار ستان شدند.

کارگاه چوب بری بیدکی

با بیش از ۳۰ سال سابقه در صنعت چوب بری

ارائه انواع چوب های سبیلار، چنار، گردو، چوب های تزئینات، الوار، قائمه و تخته پرواز

ساخت انواع تخت خواب، آلچیق و هیزم مسافرتی همراه بار سال رایگان



پیشنهاد ویژه:

ساخت آلچیق چوبه
باتخفیف فوق العاده

کارگاه چوب بری بیدکی واقع در مکان جدید خود به آدرس خیابان ینگه قلعه نرسیده به پل

مدیریت: بیدکی ۰۹۳۳۸۶۶۱۷۱۰

پذیرای شما مشتریان گرامی می باشد.

دارنده دستگاه ضد چروک در خراسان شمالی

شستشوی واقعی را با ما تجربه کنید

عضو رسمی اتحادیه

مرکز تخصصی شستشوی فرشهای ماشینی و دستباف

تجهیز شده به دستگاه های روز

با استفاده از فناوری نانو

دارای گرمخانه مرکزی

دارنده دستگاه های چهار مرحله ای شستشو



۰۹۱۵۲۵۸۴۳۴۲-۳۲۲۴۹۰۶۲-۳۲۴۱۳۹۰۲

دفتر: خیابان حسینی معصوم - مدیریت: رحیمی